

Investigating Social Order and Security issues in Iranian Naseri Age based on Etemad-ol-Saltaneh Memoirs Newspaper

Ali Bigdelo*

Abstract

Establishing social order and security and its elements regarding Iran's geographical-historical location, socio-political structure, ethnic-religious diversity, and other influential factors are critical historical issues of Iranian society. Despite the government's reform measures and some political and social elites to change social order and security discourse and structures in the Qajar era and especially in the last years of Nasser al-Din Shah's reign, no improvement was made. The present study aimed to reveal critical social order and security issues in Iranian society based on Anomie theory and to analyze the content of the book "Etemad-ol-Saltaneh Memoirs Newspaper. Therefore, the present study tried to answer an important question: "What have been critical issues in Iranian society during these years?" .The findings indicate that despite the structural modernization, the abnormal social order and security intensified, and social perversion and insecurity deteriorated at 1919-1934.

Keywords: Social order and Security, Anomie, Iran, Qajar, Etemad-ol-Saltaneh Memoirs Newspaper.

* Assistant professor of history, Institute of geography and statistics, Tehran, Iran,
bigdelor@gmail.com

Date received: 22/11/2021, Date of acceptance: 20/02/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

مسائل و چالش‌های نظم و امنیت اجتماعی جامعه ایران عصر ناصری در روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه

رضا بیگدلو*

چکیده

مؤلفه‌ها و چگونگی برقراری نظم و امنیت اجتماعی با توجه به موقعیت جغرافیایی-تاریخی سرزمین ایران، ساختار سیاسی-اجتماعی، تنوع قومی-مذهبی و مؤلفه‌های اثرگذار دیگر از مسائل تاریخی جامعه ایرانی بوده است. در عصر قاجار و به‌ویژه سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه، باوجود اقدامات اصلاحی دولت و برخی نخبگان سیاسی و اجتماعی در راستای تحول در گفتمان و ساختارهای نظم و امنیت اجتماعی، نه‌تنها وضعیت نظم و امنیت اجتماعی به سمت بهبودی نرفت که چالش‌های دیگری نیز به آن افزوده شد. این پژوهش با اتکا به نظریه آنومی و با تحلیل محتوای کتاب «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه»، اقدام به احصاء مهم‌ترین مسائل و چالش‌های نظم و امنیت اجتماعی جامعه ایران کرده است. بر این اساس سؤال پژوهش بر این مبنا تدوین شده که مهم‌ترین مسائل و چالش‌های نظم و امنیت اجتماعی جامعه ایرانی در این سال‌ها چه بوده است؟ دستاوردهای پژوهش مبین آن است که به‌رغم نوسازی ساختاری، وضعیت آشفتگی و بی‌هنجاری در نظم و امنیت اجتماعی تشدید شده و کجروی و ناامنی اجتماعی در سال‌های ۱۲۹۸-۱۳۱۳ق. روندی افزایشی داشته است.

کلیدواژه‌ها: نظم و امنیت اجتماعی، آنومی، ایران، قاجاریه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه.

* استادیار تاریخ، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران، bigdelor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

از منظری آسیب‌شناسانه، مطالعات امنیتی در ایران دچار آسیب نظریه‌زدگی شده و این نظریه‌های امنیت، عمدتاً به دست غربیان و برای جوامع و دولت‌های غربی تدوین شده است. رویکرد کلی مطالعات امنیتی و انتظامی در ایران، منابع و نظریه‌های غربی را مرجع مطالعات امنیتی در باب جامعه ایران می‌داند و سعی در به‌کارگیری آنها با نگاهی جهان‌شمول در باب امنیت پژوهی دارد. این در حالی است که بین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های جوامع غربی و ایران تفاوت‌های اساسی وجود دارد و کاربست غیرانتقادی این نظریه‌ها در جامعه ایرانی، کفایت و دقت لازم را نخواهد داشت. ریشه‌های بروز و مدیریت نظم و امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای خاص و ویژه است و هر نظریه امنیتی باید برخاسته از محیط و زمینه خاص آن جامعه باشد (بوزان ۱۳۸۸: ۲۵؛ نصری ۱۳۹۰: ۱۸۸). همان‌طور که در مطالعات جامعه‌شناسی کاربست مدل‌های نظری جهان‌شمول و تعمیم‌گرایانه جای خود را به مکتب جامعه‌شناسی تاریخی (Historical Sociology) می‌دهد (گلوور و استرابریج ۱۳۹۰: ۱۳۳)^۱، ضروری می‌نماید که در مطالعات امنیتی نیز مطالعات تاریخی برای حصول به‌الگوها و نظریه‌های بومی مورد توجه بیشتری قرار گیرد و نظریه‌ها، متناسب با ویژگی‌های جامعه ایرانی مورد بازخوانی انتقادی قرار گیرد. این ضرورت با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای مطالعات امنیتی دوچندان است؛ زیرا مطالعات امنیتی از حوزه تخصصی صرف روابط بین‌الملل و علوم سیاسی بیرون است (ویلیامز ۱۳۹۲: ۳۸). برای شناخت وضعیت و مسائل نظم و امنیت اجتماعی و دستیابی به نظریه بومی امنیت اجتماعی در ایران، یکی از مهم‌ترین راه‌ها، تحقیق به شیوه تاریخی و کشف واقعیت‌های تاریخی و سامان‌دهی آنها در قالب نظریات و الگوهاست است. امنیت همانند دیگر واقعیت‌ها دارای ساختی اجتماعی است. امنیت و ناامنی در فضا و بستر محیط و زمان شکل می‌گیرد، از این‌رو محققان و سیاست‌گذاران باید ریشه‌های تاریخی و اجتماعی آن را مدنظر قرار دهند (نصری ۱۳۹۰: ۱۹۱؛ افتخاری ۱۳۸۰: ۲۳). با نگاه دقیق تاریخی و از طریق مطالعه روندهای تاریخی، فهم دقیق مسائل و معضلات امنیتی و رسیدن به الگوها و نظریه‌های بومی امکان‌پذیر است (میرسندسی ۱۳۹۱: ۸ و ۲۵)؛ بنابراین بررسی‌های امنیت هرگز نمی‌تواند کاری صرفاً نظری باشد، زیرا محرک آن تا حد زیادی دستیابی به امنیت برای مردمانی

مسائل و چالش‌های نظم و امنیت اجتماعی جامعه ایران ... (رضا بیگدلو) ۵

واقعی در مکان‌های واقعی است. چنین چیزی مستلزم تفسیر گذشته، شناخت حال و تأثیرگذاری بر آینده است (ویلیامز ۱۳۹۲: ۳۴).

نظم و امنیت اجتماعی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیازهای هر جامعه برای بازتولید شرایط تداوم حیات آن جامعه است. نظم و امنیت، تولیدی بارزش است که بستر و زمینه فعالیت و زندگی را برای همگان در اجتماع فراهم می‌سازد. امنیت را اطمینان خاطر افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی نسبت به حفظ موجودیت و هویت خود در برابر تحولات عادی و عمدی دانسته‌اند (نصری، ۱۳۹۰: ۴). نظم و امنیت در معنای وسیع و ایجابی خود، یک تولید اجتماعی است که ارکان مختلف ساختار، ماهیت جامعه و دولت، فرایندهای اجتماعی و ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در فرآیند تولید آن دخیل هستند و از این منظر ماهیتی اندام‌وار و به‌هم‌پیوسته دارد و نه تنها بعد نظامی که ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی را هم شامل می‌شود؛ بنابراین محیط نظم و امنیت اجتماعی همه بازیگران از جامعه تا دولت را شامل می‌شود. فرهنگ، مولد هنجارهایی است که رفتارهای دولت و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این وضعیت امنیت به معنای پایداری الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و ساختارهای اجتماعی برای تکامل می‌باشد. از منظر جامعه‌شناسانی چون دورکیم، ماکس وبر و پارسونز، نقش نظام اخلاقی و ارزشی جامعه به مراتب مهم‌تر از قدرت دولت در برقراری نظم اجتماعی مؤثر است؛ بنابراین در بحث امنیت اجتماعی، انتظار امنیت‌آفرینی از نهادهای امنیتی و انتظامی چون پلیس را باید به لایه‌ها و سطوح اجتماعی دیگری که از درون روابط و مناسبات بین افراد و ساختارها به وجود آمده‌اند، تعمیم داد. بر این پایه، هر یک از مؤلفه‌های حاضر در حیات اجتماعی به صورت بالقوه و بالفعل در تولید نظم و امنیت نقش دارند. به‌ویژه نهادهایی که کارکرد و وظیفه‌شان در مسائل فرهنگی به بیان پیتربگر «ساختارهای باورپذیر کننده» است مهم‌تر می‌نماید. اگر این نهادها در انتقال باورها و ارزش‌های مطلوب جامعه به هر علت درونی و بیرونی ناتوان باشند، ممکن است به وجود آورنده وضعیت و شرایطی باشد که در آن احساس ناامنی افزایش می‌یابد (میرسندسی ۱۳۹۱: ۴۲).

از منظر تاریخی با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران به‌منزله چهارراه تاریخ و تهاجم و تسلط اقوام مختلف بر آن، ساختار سیاسی-اجتماعی آن، شیوه زیست‌های قبیله‌ای، تنوع قومی - دینی و متغیرهای تأثیرگذار دیگر، همواره امنیت دغدغه و مسئله‌ای مهم بوده که

بسیار از امور و نیازها و مطالبات اجتماعی را تحت الشعاع قرار می‌داد. وضعیت و معضلات و مسائل نظم و امنیت اجتماعی ایران در دوران قاجار و به‌ویژه در دوران مهم ناصری تحت تأثیر مؤلفه‌های دیگری چون مدرنیزاسیون، مداخلات خارجی و انحطاط نهادی نیز قرار گرفت که شرایط و اوضاع امنیتی را دچار مسائل و معضلات مضاعفی کرد. این پژوهش با توجه به ضرورت مطالعات تجربی و تاریخی در حوزه امنیت و به‌منظور شناسایی مهمان‌نوازی و مسائل تاریخی امنیت در عصر ناصری بر آن است که با روش تاریخی و تحلیل محتوای روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه مهم‌ترین مسائل امنیتی این دوران پانزده‌ساله را احصا نماید. بدین ترتیب سؤال پژوهش بدین گونه طرح می‌شود که مهم‌ترین مسائل و معضلات امنیتی ایران عصر ناصری در فاصله سال‌های ۱۲۹۸-۱۳۱۳ ق. چه بوده است؟

۱.۱ پیشینه پژوهش

نظریه آنومی یکی از نظریاتی است که برای تبیین علل اختلال در نظم و هنجارهای اجتماعی در جامعه امروز ایران به کار گرفته می‌شود. نمونه‌هایی از این‌گونه پژوهش‌ها عبارت‌اند از مقاله نایبی و دیگران (۱۳۹۶)، با عنوان «تئوری آنومی دورکیم و مرتن؛ تفاوت‌ها، شباهت‌ها و شیوه‌های اندازه‌گیری» و رجب‌زاده و کوشی (۱۳۸۲) با عنوان «آنومی سیاسی در ایران با تکیه بر نظر شهروندان تهرانی» و محبوبی‌منش (۱۳۸۱) با عنوان «امنیت و انحرافات اجتماعی»؛ اما این پژوهش‌ها عمدتاً به صورت پیمایشی و نظری و برای تحلیل اختلال رفتاری و هنجاری در نظم اجتماعی معاصر به کار گرفته شده است. پژوهش‌های تاریخی اندکی درباره اوضاع امنیتی زمان موردنظر انجام شده که اشاره به برخی از آنها بایسته است. احمدزاده (۱۳۹۵) در مقاله «تداوم و تغییر در مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در ایران دوره ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق.)» موضوع نوسازی در گفتمان و ساختارهای امنیتی و انتظامی را مورد بررسی قرار داده و بر زیست دوگانه این گفتمان‌ها و ساختارها تأکید کرده است. ثواقب و معظمی گودرزی (۱۳۹۴) در مقاله «اقدامات قاجارها در برقراری امنیت اجتماعی شهرها» به عوامل ساختاری و فرهنگی مؤثر در ناکارآمدی دولت قاجار در برقراری امنیت اشاره کرده‌اند. میرسندسی (۱۳۹۱) در اثر خویش از منظر جامعه‌شناسی تاریخی، عوامل مؤثر بر شکنندگی امنیت در ایران را مورد بررسی قرار داده است. رحمانیان و بیاتلو (۱۳۹۸) در مقاله «نوکران شهری و پدیده سرقت در دوره ناصری»

بین رواج ناهنجاری سرقت نوکران دربار شاهی و آنومی اجتماعی رابطه برقرار کرده‌اند. این مقاله با بهره‌گیری از نظریه آنومی و به‌کارگیری آن در ۱۵ سال پایانی عصر ناصرالدین‌شاه مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل نظم و امنیت اجتماعی را مورد تحلیل قرار داده و از این نظر دارای سویه‌های نوآورانه و بدیع است.

۲. چهارچوب نظری

نظریه آنومی دورکیم (Durkheim)، از نظریه‌های معتبری است که به تبیین علل اختلال در نظم و امنیت اجتماعی جوامع می‌پردازد. مفسران آثار دورکیم چون مسترویچ (Mestrovic) و هلن براون (Helen Brown) آن را معادل آشفتگی اجتماعی معنی کرده‌اند (کیویستو ۱۳۷۸: ۱۴۱). در زبان فارسی ترجمه آنومی را بیشتر به معنی بی‌قاعدگی و بی‌هنجاری گرفته‌اند. دورکیم در گروه جامعه‌شناسانی قرار گرفته که ارزش‌ها و هنجارهای درونی شده را عامل اساسی در شکل دادن به نظم و امنیت اجتماعی می‌دانند (شلاپتوخ ۱۳۹۵: ۴۷). نیز وابستگی متقابل پیشرفت و نظم، از موضوعات اصلی نوشته‌های دورکیم است (گیدنز ۱۳۷۸: ۱۶۴). آنومی به معنای شرایط اجتماعی خاصی است که قابلیت اجتماع را در به قاعده رفتار کردن اعضای جامعه و انتظام دادن مناسبات اجتماعی دچار اختلال می‌کند. هنگامی که میزان بالایی از آنومی رخ داده باشد، قواعدی که قبلاً بر رفتار افراد و گروه‌های جامعه حاکم بودند، خاصیت و نیروی خود را از دست داده و این اساس آنومی یا بی‌هنجاری نهادی را تشکیل می‌دهد (دورکیم ۱۳۹۱: ۱۴۲؛ مسنر و روزنفلد ۱۳۹۲: ۱۶۹). آنومیک بودن دلالت زمانی نیز دارد. از این نظر آنومی به معنای نگاه به موقعیت زمانی در حال گذار از سنت به تجدد و وضعیتی برزخی است که تبیین شرایط آن در دستگامی مفهومی استوار بر قواعد عام نمی‌گنجد و به آن وضعیت به‌مثابه آسیب‌نگریسته می‌شود (توفیق ۱۴۰۰: ۸۶). دورکیم در نظریه تقسیم کار اجتماعی، فرایند تکاملی جامعه از مرحله سنتی به پیشرفته را بیان می‌کند. در این نظریه، دورکیم دو نوع جامعه را از هم تفکیک می‌کند: جوامع سنتی/قطاعی/پیشامدرن و جوامع سازمان‌یافته و مدرن. دورکیم «نظم اجتماعی نوع اول را مبتنی بر همبستگی مکانیکی و نظم اجتماعی نوع دوم را مبتنی بر همبستگی ارگانیکی می‌داند» (دورکیم ۱۳۸۱: ۱۰۰ و ۱۱۹؛ کرایب، ۱۳۸۲: ۱۲۷-۱۲۶)؛ به‌عبارت دیگر جوامع سنتی عمدتاً به‌واسطه واقعیت‌های اجتماعی غیرمادی و به‌ویژه با

نوعی اخلاق مشترک نیرومند که خود وی آن را «وجدان جمعی» (Collective conscience) می‌نامد، انسجام یافته بودند (دورکیم ۱۳۸۱: ۷۷)، اما در جوامع مدرن به دلیل پیچیدگی‌های آن، از شدت وجدان جمعی کاسته شده و عامل عمده انسجام، تقسیم کار پیچیده انسان‌هاست که از طریق روابط مبتنی بر وابستگی به هم پیوند می‌خورند (ریترز و داگلاس ۱۳۹۳: ۲۳).

از منظر دورکیم جوامع سنتی عمدتاً به واسطه فرهنگ مشترکی که شالوده دینی دارد، انسجام می‌یابند. در این جامعه بیشتر افراد باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترکی دارند و بر این اساس نظم اجتماعی استقرار می‌یابد و در یک کل اجتماعی منسجم گرد هم می‌آیند (سیدمن ۱۳۸۶: ۵۸). جوامع مدرن بر نهاد جوامع ابتدایی هستند. در حالی که جوامع سنتی هم‌شکلی کارکردی و ساختاری بالایی دارند، جوامع مدرن عمدتاً به علت تقسیم کار، دارای نهادهای تخصصی متعددی هستند که هر یک بخشی از رفتار افراد را تنظیم می‌کنند. به موازات تکامل جامعه در جهت تمایز اجتماعی، فرایند کثرت‌گرایی فرهنگی رخ می‌دهد. با متکثر شدن فرهنگ در جوامع مدرن، فردگرایی به‌عنوان باور مشترک گسترش می‌یابد. نهادهای اجتماعی مدرن از طریق وابستگی متقابل کارکردی، هنجارهای مشترک و اقتدار اخلاقی دولت به هم پیوند می‌خورند و نظم و انسجام اجتماعی را پدید می‌آورند (سیدمن ۱۳۸۶: ۶۱). دورکیم علل پیدایش بحران‌های اجتماعی و اقتصادی و اختلال در نظم و امنیت یا به عبارت بهتر آنومی اجتماعی را ناشی از تقسیم کار مدرنیزاسیون و تغییرات اقتصادی و اجتماعی سریع در جوامع می‌دانست. عمده آشفتگی و اغتشاش اجتماعی در زمان کوتاه‌مدت و گریزناپذیر تولد نظم اجتماعی جدید و به وجود می‌آمد (دورکیم ۱۳۸۱: ۲۵۸)؛ زیرا در جامعه مدرن به دوره انطباقی نیاز است تا قواعد، هنجارها، حقوق و تکالیف اجتماعی مناسب برای عملکرد مؤثر و پایدار نهادها تعیین شوند (دورکیم ۱۳۹۱: ۱۴۲؛ سیدمن ۱۳۸۶: ۶۲).

توسعه مفهوم آنومی دورکیم عمدتاً با تلاش‌های فکری رابرت مرتن (Robert Merton) جامعه‌شناس کارکردگرایی ساختاری صورت گرفت که به مفسر و توسعه‌دهنده نظریات دورکیم در ایالات متحده آمریکا تبدیل شد. مرتن مفهوم آنومی را به نظریه پرنفوذی درباره علل کجروی در جوامع تبدیل کرد. استدلال مرتن این است که هر جامعه‌ای در حکم بخشی از نظام ارزشی خود، هدف‌هایی را تعریف می‌کند که افراد خواهان دست یافتن به

مسائل و چالش‌های نظم و امنیت اجتماعی جامعه ایران ... (رضا بیگدلو) ۹

آن‌ها برمی‌آیند و وسایل پذیرفتنی را معرفی می‌کنند. فشار هنگامی پدید می‌آید که افراد خواهان دست یافتن به این هدف‌ها باشند، اما دریابند که برای رسیدن به آنها با استفاده از وسایل مشروع و پذیرفته اجتماعی با مانع روبه‌رو می‌شوند. هنگامی که میان هدف و ساختار ناسازگاری وجود داشته باشد، حالت بی‌هنجاری پدید می‌آید (کیویستو ۱۳۷۸: ۱۴۸). مرتون نظم اجتماعی را با اتکا به مفاهیم فرهنگ، ساختار و بی‌هنجاری توضیح می‌دهد. وی فرهنگ را به‌عنوان «مجموعه سازمان‌یافته‌ای از ارزش‌های هنجارمند» تعریف می‌کند که «بر رفتارهای مشترک میان اعضای یک گروه یا جامعه معین فرمان می‌راند» و ساختار اجتماعی را به‌عنوان «مجموعه سازمان‌یافته‌ای از روابط اجتماعی که اعضای جامعه یا گروه به صورت‌های گوناگون در آن درگیر می‌شوند» توصیف می‌کند. بی‌هنجاری زمانی اتفاق می‌افتد که بین اهداف و هنجارهای فرهنگی از یک سو و ظرفیت‌های از نظر اجتماعی ساخت‌دار اعضای گروه برای سازگاری با آنها از سوی دیگر گسستگی شدیدی اتفاق می‌افتد (ریتزر و داگلاس ۱۳۹۳: ۱۵۲)؛ زیرا کارکرد ساختارها که تطبیق با سازگاری یک نظام را امکان‌پذیر می‌سازند (غفاری ۱۳۹۲: ۹۸)، دچار اختلال می‌شود؛ بنابراین کجروی و رفتار نابهنجار نشانه ازهم گسیختگی بین آرزوه‌های معین فرهنگی و شیوه‌های ساختاری شده اجتماعی در رسیدن به این آرمان‌هاست (نایی و دیگران ۱۳۹۶: ۲۵). براساس نظریه آنومی، در فرایند مدرنیزاسیون، روابط انسان‌ها از نظارت نظم اخلاقی آزادشده و اجتماع سستی مورد هجوم نیروهای گسستگی جامعه مدرن قرار گرفته و با تضعیف اعتقادات و رسوم مذهبی و سنتی، حالت بی‌هنجاری تشدید می‌شود. وقتی تغییرات ساختاری، یک ساخت هنجارمند را به هم می‌ریزد، در نتیجه زمینه انحراف و ناامنی در جامعه فراهم می‌گردد (محبوبی منش ۱۳۸۱: ۱۴۷). وضعیت آنومیک با افزایش جرائم همراه است؛ زیرا هنجارهای اجتماعی رعایت نمی‌شود. جامعه دچار بی‌قانونی و هرج‌ومرج گشته و انواع آسیب‌های اجتماعی و جرائم در جامعه شایع می‌شود (دورکیم، ۲۵۳۵: ۹۵؛ حسینی نثار و فیوضات ۱۳۹۰: ۶۳).

لازم است بیان شود که نظریه دورکیم ضدیتی با مدرنیته نداشت و فردگرایی را برای جوامع مدرن نفی نمی‌کرد. همچنین بی‌نظمی اجتماعی جزء ضروری جهان مدرن نبود (ریتزر و داگلاس ۱۳۹۳: ۲۲). وضعیت آنومی به دوره کوتاه مدت گذار -که خود آن را یک دوره بحرانی می‌نامد- جوامع از مرحله سنتی/پیشامدرن به مدرن متعلق بود (دورکیم ۱۳۹۱: ۱۴۲). هرچند دورکیم مفهوم آنومی را برای تبیین اختلال نظم و امنیت

اجتماعی جوامع مدرن ارائه کرد، ولی با توجه به شواهد و مطالعات صورت گرفته، این نظریه قابلیت بالایی برای تبیین وضعیت نظم و امنیت جوامع در حال توسعه و جهان‌سومی دارد که در معرض مدرنیزاسیون قرار گرفته و در رویارویی با مدرنیته، فرهنگ و ساختارهای آنها در حال نوسازی هستند. از این نظر آنومی پدیده‌ای است که نظم و امنیت اجتماعی جوامع سنتی در معرض مدرنیزاسیون را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنومی از بیماری‌های مزمن یا حادی است که به همراه مدرنیزاسیون، دامن‌گیر کشورهای در حال توسعه شده است. نوسازی معمولاً منجر به تغییرات در ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی شده و بر ارزش‌ها، هنجارها و وظایف سازمان‌های یک جامعه اثر گذاشته و جریان کلی آن را دگرگون می‌کند و چنانچه تغییر اجتماعی نیرومند باشد، موجب تأثیر در تعادل سیستم می‌گردد (گی‌روشه ۱۳۸۵: ۳۰). ازهم‌پاشیدگی نهادهای سنتی می‌تواند ازهم‌گسیختگی روان‌شناختی و بی‌هنجاری به بار آورد، اما درست در همین شرایط است که نیاز به تعلق‌ها و وفاداری‌های نوپدید را ایجاد می‌کند (هانتینگتون ۱۳۷۰: ۶۱). به بیان دیگر علت اساسی آنومی سیاسی-اجتماعی در جوامع در حال گذار، به خاطر از بین رفتن نظم پیشین و عدم استقرار نظم نوین است. وضعیتی که در آن قواعد مشترک عام هنوز استقرار نیافته‌اند. در چنین اوضاع و احوالی افراد و جامعه دچار بی‌هدفی و اضطراب شده و انواع آسیب‌های اجتماعی بروز می‌کند (گیدنز ۱۳۸۷: ۳۰۱).

عدم «انسجام اجتماعی» (Social integration) پیامد آنومی اجتماعی است. به خاطر تضعیف وجدان جمعی زمینه برای پیدایی آنومی فراهم می‌شود؛ اما ظهور این آنومی به دلیل آن است که اخلاق جدید (کیش فردگرایی یا اخلاق مدنی) هنوز کاملاً استقرار نیافته است (رجب‌زاده و کوثری ۱۳۸۲: ۳۲۶). سرشت این بحران دقیقاً با این عبارت مشهور گرامشی منطبق می‌شود که نظام کهن در حال احتضار است و نظام جدید هنوز توان تولد نیافته است. بدین خاطر در این دوران گذار، عوارض گوناگونی از احتضار چهره برمی‌تاباند (گرامشی ۱۳۷۷: ۱۳۳). بحران دقیقاً به این علت رخ می‌دهد که سنت دارد می‌میرد و زایش نظم و سنت نو هم ممکن نیست. در چنین فترتی، طیف گسترده‌ای از علائم مرضی پدیدار می‌شود. نظم اجتماعی جامعه دچار اختلالات متعددی گردیده و نوعی از جاکندگی فرهنگی و اجتماعی گریبانگیر افراد و گروه‌های اجتماعی و ساختارهای جامعه می‌شود (گیدنز ۱۳۸۴: ۲۶). مناسبات مدرن هم به خاطر عدم بسترسازی و نهادمندی ناقص در ارائه

یک الگوی ارزشی و نظام اخلاقی نسبتاً همگون، عملکرد موفق‌تری نمی‌توانند داشته باشند. بسیاری از جامعه‌شناسان ایرانی، وضعیت ایران را وضعیتی آنومیک یا دچار بی‌هنجاری شدید یا مزمن می‌دانند (نایی و دیگران ۱۳۹۶: ۱۲؛ رجب‌زاده و کوثری ۱۳۸۲: ۳۲۰). تغییرات و نوسازی‌ها در جامعه ایرانی، منجر به پیدایش وضعیت آنومیک در جامعه ایران شده و این وضعیت به صورت یک بیماری مزمن تاریخی درآمده و باعث بروز آسیب‌های اجتماعی متعددی گردیده است.

۳. روزنامه‌خاطرات اعتمادالسلطنه

دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه، عصر نفوذ و رواج بی‌سابقه مظاهر و فرهنگ تمدن غربی درمقایسه با سال‌ها و دهه‌های گذشته بود. مسافرت‌های شاه به اروپا در این باب هم تأثیرگذار بود. شاه در آوردن مظاهر تجدد به کشور جرئت زیادی به خرج می‌داد (امانت ۱۳۸۳: ۵۳۹). رواج لباس و یونیفورم فرنگی، میز و صندلی، شیرینی و غذا و نوشیدنی، صنایع و کارخانجات، دست دادن به سبک فرنگی، رواج علوم فرنگی، چراغ برق، ورزش و ساز و رقص‌های فرنگی، پلیس و نظام فرنگی، گسترش روزنامه و انتشار کتب و بسیاری موارد دیگر که در واقع قدم‌گذاران در راه مدرنیزاسیون و عرفی‌گرایی بود؛ بنابراین تمدن فرنگی تنها به صورت کارخانه و وسایل موسیقی، بازی، ورزش، غذا خوردن وارد ایران نشد، بلکه از لحاظ فکری و فرهنگی نیز با تأسیس فراموش‌خانه، نشر روزنامه و علوم جدید، مدارس غربی چون دارالفنون و نظام، ایجاد دارالشوری، بانک، بریگاد قزاق، پلیس و غیره به تدریج در ساختار سیاسی، نظامی، اجتماعی، دیوانی و فرهنگی ایران، رخنه کرد (اعتمادالسلطنه ۱۳۵۵: ۱۲۶/۱ و ۶۹۷/۲؛ افشار ۱۳۸۹: بیست و چهار). از نوشته‌های اعتمادالسلطنه برمی‌آید که در این عصر فرهنگ و رفتار اجتماعی نیز تحت تأثیر آورده‌های فرنگ قرار می‌گرفت. چنانچه از عواقب آن نگرانی و تشویق داشته است: «فرنگی‌بازی عقاید را سست کرده و نمی‌دانم این از برای ملت و دولت ایران خوب است یا بد؟» (اعتمادالسلطنه ۱۳۸۹: ۹۷۱). از این روی ناصرالدین‌شاه در عصر پرتحوالی سلطنت می‌کرد که کار او را بسیار دشوارتر از پیشینیانش می‌کرد. رویارویی عناصر و ساختارهای سنتی و مدرن در عصر وی آشکار و وظایف دولت را دشوار می‌ساخت؛ زیرا «او نه تنها می‌بایست اجزای سنتی تعادل‌بخش در درون دستگاه

دولت را حفظ کند، بلکه قوای جدید منبعث از نفوذ خارجی و همچنین پیشرفت‌های فنی و دگراندیشی‌های عقیدتی تأثیر گرفته از غرب را هم مدنظر داشته باشد. این تقارن نوظهور بین عناصر داخلی و خارجی، بین کهنه و نو، در هنگامی که شاه درصدد بود پایه‌های قدرت خویش را استحکام بخشد و عوامل واسطه بین خود و اتباعش را از میان بردارد، بسی تشدید می‌شد (امانت ۱۳۸۳: ۵۳۶). پیامدهای این رویارویی، قابل پیش‌بینی و تصور نبود. بین این سنت‌ها و ساختار اروپایی و سنت‌ها و ساختار سنتی هم‌آمیختگی صورت گرفت. تنش‌هایی بین ساختارها پدیدار شد. جریان‌های فرهنگی-اجتماعی و سیاسی نوینی سربرمی‌آورد و پیامدهایی که ناشی از این رویارویی سنت و مدرنیته بود، به وجود می‌آمد که روزنامه خاطرات، منبع ارزشمندی برای بررسی و مطالعه آنهاست.

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه از نزدیکان و مقربان دربار ناصرالدین‌شاه بود. اعتمادالسلطنه، پسر حاجی علی‌خان مراغه‌ای حاجب‌الدوله، از درباریان مورد اعتماد شاه بود. وی تا سال ۱۲۶۷ ق. در دارالفنون تحصیل کرد و در سال ۱۲۶۸ ق. عنوان وکیل نظام گرفت و به تدریج در مناصب نظامی ترقی کرد و در سال ۱۲۷۵ ق. به درجه سرهنگی نائل شد. در سال ۱۲۸۰ ق. با سمت نماینده نظامی ایران در سفارت فرانسه به پاریس رفت و توانست زبان فرانسه را تکمیل و تحصیلاتش را ادامه دهد. در سال ۱۲۸۴ ق. به ایران مراجعت و به سمت مترجم حضوری دربار تعیین شد. در ۱۲۸۷ اداره امور روزنامه رسمی و بعد ریاست دارالترجمه به او واگذار و به صنیع‌الدوله ملقب گشت. در ادامه سمت‌هایی چون وزارت عدلیه (۱۲۹۰)، رئیس دارالتالیف (۱۲۹۸)، عضو مجلس شورای دولتی (۱۲۹۹) و وزیر انطباعات (۱۳۰۰) شد (افشار ۱۳۸۹: پانزده). وی همچنین مدت‌ها تصدی احتساب شهر-که زیرمجموعه پلیس بود- و نگهداری و تعمیر عمارات سلطنتی را بر عهده داشت. در مراسم بار وظیفه مترجمی و گاه پذیرایی از سفرای خارجی بر عهده وی بود. اعتمادالسلطنه مورخی خبره و مترجمی چیره‌دست بود و به خاطر تحصیلات و تسلط به زبان فرانسه و آشنایی با تمدن مغرب زمین، تقریباً نسبت به تمامی درباریان به لحاظ سواد و فضل برتری داشت. وی همه‌روزه در خدمت شاه به خواندن روزنامه و کتاب مشغول بود و از این لحاظ، مورد اعتماد و توجه شاه بود. کمتر روزی بود به حضور شاه نرسد. در سفرها، همسفر و در خلوت هم‌نشین شاه بود. بدین جهات او را می‌توان از محارم خاص شاه دانست. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه از این نظر اهمیت دارد که توسط فردی که در اندرونی و بیرونی شاه حضور داشته و در جریان بسیاری از موضوعات و مسائل محرمانه،

مسائل و چالش‌های نظم و امنیت اجتماعی جامعه ایران ... (رضا بیگلر) ۱۳

سیاسی، اجتماعی و نظامی کشور بود، نوشته شده است. نگارش روزنامه بدین ترتیب بود که وی شب‌ها پس از این که به خانه می‌آمد به نوشتن شرح وقایع روزانه می‌پرداخت و محتوای مطالب آن محرمانه بود. کسی به جز عیالش از نوشته‌های روزنامه باخبر نبود (اعتمادالسلطنه ۱۳۸۹: ۴۱؛ افشار ۱۳۸۹: هشت).

کتاب روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه از ۲۹ جمادی‌الاولی ۱۲۹۲ آغاز و تا ۱۴ شوال ۱۳۱۳ هجری ادامه دارد. محتوای نوشته‌های آن منبع و مرجع بسیار مهم و مستندی است از حوادث ۱۵ سال پایانی ناصرالدین‌شاه در موضوعاتی چون وضعیت پادشاهی، آداب کشورداری، شناخت شخص شاه و زندگی روزانه دربار و دیوان، کیفیت اداره امور دیوانی، رجال و انسان‌های اندرونی و بیرونی دربار، مناسبات دربار و کشور با کشورهای خارجی و دخالت‌ها و نفوذ آنها در امور کشور، ساختار سیاسی، اجتماعی و انتظامی و نظامی کشور، حوادث و رویدادهای مختلف کشور و به طور کلی وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران آن روز است. لذا این تحقیق بر آن است که مهم‌ترین مسائل و معضلات نظم و امنیت اجتماعی این سال‌ها را با تکیه بر نظریه آنومی و تحلیل محتوای روزنامه خاطرات مورد تحلیل و مطالعه قرار دهد و نمودهای عمده آنومی در این‌باره را بازنمایی کند. این مسائل و معضلات در سه محور در نظر گرفته شده است:

۱. محور اول شامل مواردی است که از مصادیق ناهنجاری و بزه به شمار رفته و نظم و امنیت اجتماعی را مخدوش می‌کنند. آشوب، قتل، دزدی، مصادره اموال و ناامنی مرزی در این زمره هستند.

۲. محور دوم شامل مواردی است که نشانه و پیامد نبود امنیت و گسترش جرائم در جامعه است: زندانی شدن، بست‌نشینی، پناهندگی، احساس ناامنی، مصادره اموال و اعتراض و شکایت.

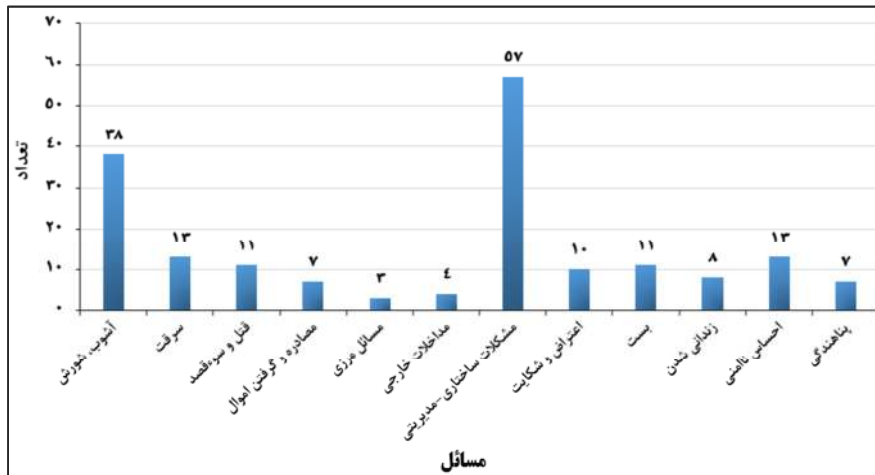
۳. محور سوم شامل مواردی است که نشانه درهم‌ریختگی ساختارهای تأمین امنیت است و بر بروز جرائم تأثیر مضاعف دارد: مشکلات ساختاری-مدیریتی و مداخلات خارجی در این شمار قرار گرفتند. بدین ترتیب ۱۲ مسئله و معضل اصلی و مهم که در بازه زمانی مورد نظر دارای فراوانی بیشتری بودند به شرح ذیل است:

۱۴ پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

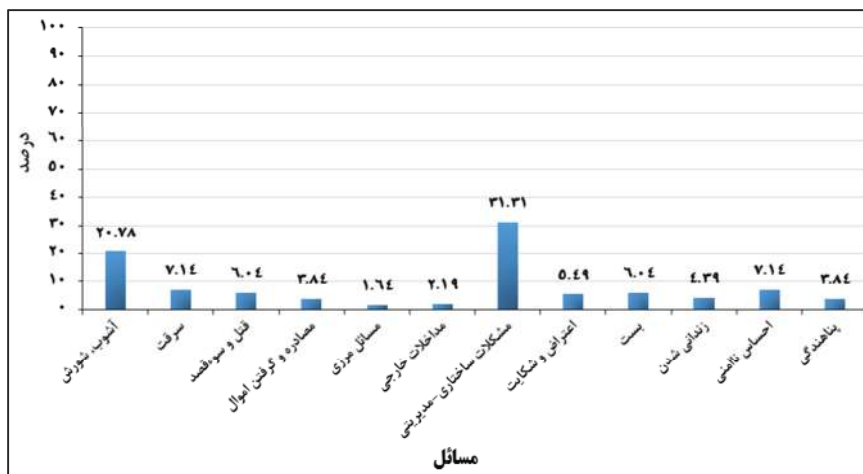
جدول ۱

سال	آشوب، شورش	سرق	قتل و سوء قصد	مصادره و گرفتن اموال	مسائل مرزی	مداخلات خارجی (روس - انگلیس)	مشکلات ساختاری - مدیریتی	اعتراض و شکایت	یست نشینی	زندانی و دستگیر شدن	احساس ناامنی	پناهندگی	فراوانی	درصد
۱۳۹۸			۱				۱۱		۱	۱	۱	۱۶	۸.۷۹	
۱۳۹۹		۱	۱				۱		۱	۱		۵	۲.۷۴	
۱۳۰۰		۱			۱		۴					۶	۳.۲۹	
۱۳۰۱			۲				۴	۱				۸	۴.۳۹	
۱۳۰۲	۱۰		۱				۱				۲	۱۴	۷.۶۹	
۱۳۰۳		۳	۱				۲					۷	۳.۸۴	
۱۳۰۴		۲					۴					۸	۴.۳۹	
۱۳۰۵	۱						۴		۱	۱	۱	۱۱	۶.۰۴	
۱۳۰۶	۳						۲				۱	۶	۳.۲۹	
۱۳۰۷		۲					۵	۱	۲			۱۰	۵.۴۹	
۱۳۰۸	۲	۱	۱	۱			۲	۳	۳	۳	۱	۱۷	۹.۳۴	
۱۳۰۹	۳	۲	۱							۱	۱	۸	۴.۳۹	
۱۳۱۰	۴				۱	۱	۱۰	۱	۱		۱	۱۹	۱۰.۴۳	
۱۳۱۱	۱		۱	۱			۳		۱	۱	۳	۱۲	۶.۵۹	
۱۳۱۲	۶		۱									۸	۴.۳۹	
۱۳۱۳	۸	۱	۱	۱	۱	۳	۴	۲	۱	۱	۲	۲۷	۱۴.۸۳	
جمع	۳۸	۱۳	۱۱	۷	۳	۴	۵۷	۱۰	۱۱	۸	۱۳	۷	۱۸۲	
درصد	۸۷.۰۶	۳۱.۸	۲۶.۵	۱۷.۵	۶.۶	۹.۳	۱۳۱.۴	۲۳.۵	۲۶.۵	۲۲.۵	۳۱.۸	۱۷.۵	۰.۱	

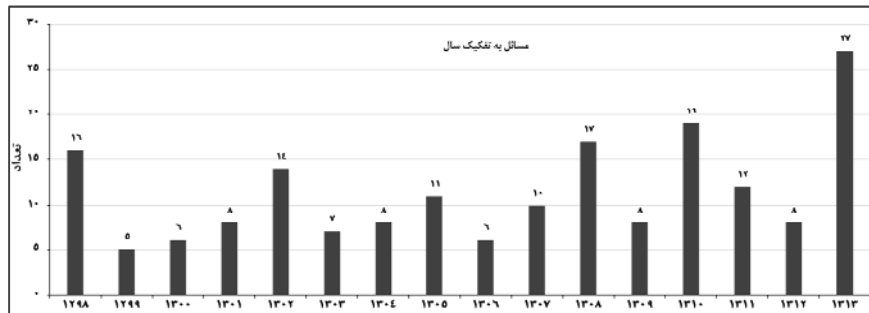
مسائل و چالش‌های نظم و امنیت اجتماعی جامعه ایران ... (رضا بیگلر) ۱۵



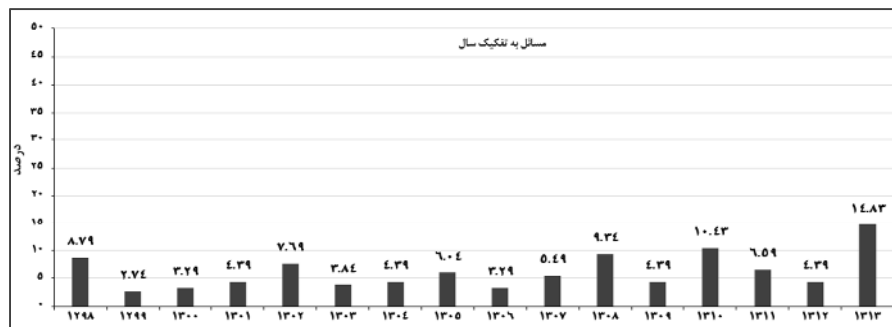
نمودار ۲. مسائل و چالش‌ها به تفکیک تعداد فراوانی



نمودار ۳. مسائل و چالش‌ها به تفکیک درصد فراوانی



نمودار ۴. مسائل و چالش‌ها به تفکیک فراوانی در سال‌ها



نمودار ۵. مسائل و چالش‌ها به تفکیک درصد فراوانی در سال‌ها

۴. دستاوردهای پژوهش

۱.۴

در بین مسائل و معضلات، موارد ساختاری-مدیریتی بیشترین فراوانی یعنی ۵۷ مورد و ۳۱/۳۱ درصد از کل را خود اختصاص داده است. از این نظر بیشترین آشفتگی و ناهنجاری در امور انتظامی و امنیتی را باید به امور مدیریتی و ساختاری این نهادها نسبت داد. بازه زمانی مورد نظر از این جهت که زمان نوسازی بسیاری از نهادها و درهم‌تنیدگی نهادهای سنتی و مدرن بود، قابل تحلیل و بررسی است. به‌هم‌ریختگی سلسله‌مراتب اجتماعی، نظامی، دیوانی و درباری هم به‌شدت مشهود است. برای نمونه یکی

مسائل و چالش‌های نظم و امنیت اجتماعی جامعه ایران ... (رضا بیگدلو) ۱۷

از انتقادات عمده اعتمادالسلطنه همواره از مراسم‌های سلام و بار است که می‌نویسد مراسم هر سال بدتر از سال‌های قبل است و به هم‌ریختگی و عدم نظم و ترتیب و آشفتگی هر سال بیش‌تر شده است (اعتمادالسلطنه ۱۳۸۹: ۱۰۶۵). درباره وضعیت کلی دربار می‌نویسد:

با سالی ده دوازده کرور مخارجی که شاه می‌کنند و با این که اتصالاً در سفرند. وضع طوری است که هیچ یک از ادارات شخصی‌شان منظم نیست. نه اصطبل دارند، نه کارخانه، نه فراش‌خانه، نه قاطرخانه، نه آبدارخانه، نه قهوه‌خانه و نه کالسکه‌خانه. امروز یک دسته از افراد حرم را دیدم که از سلطنت آباد به سرخه‌حصار می‌آمدند، چون نه کالسکه و نه اسب موجود بود، سوار اسب‌های متفرقه شده بودند و چنان تاخت و تاز می‌کردند که نه در دوش چادر و نه در سر روبنده و نه در جلو و عقب غلام و خواجه. سبحان‌الله مالک الملک. وضع چرا این‌طور شده است؟ (اعتمادالسلطنه ۱۳۸۹: ۱۰۳۵).

سیاح در تأیید آشفتگی اجتماعی و سیاسی در سال ۱۲۹۹ ق. می‌آورد:

روز به روز پیشکش حکام بیشتر می‌شود، ولایت‌ها را به قیمت زیاد می‌فروشند. تعدیات بیشتر می‌شود. بزرگان حرص‌شان به جمع مال و رقابت در عیش و تجملات هست. کسی در خیال ترویج علم و صنعت نیست. روز به روز تجارت خارجه خصوصاً روس و انگلیس به وسعت خود می‌فزاید و صنایع ایران برمی‌افتد. رعایا پایمال می‌شوند. هزاران عمه به طرف عثمانی و روسیه رهسپار می‌شوند. قشون ایران نابود می‌گردد... (حاج سیاح ۲۵۳۶: ۲۴۸).

با بررسی و تحلیل محتوای این مورد چنین به دست می‌آید که با وجود برخی نوسازی‌ها و به کارگیری تجهیزات جدید، انحطاط و نزول در آمادگی برای رزم و حتی تعداد افراد آماده قشون امری آشکار است. به طوری که بنا بر نوشته اعتمادالسلطنه و بسیاری دیگر، در واقع دولت قشونی برای اعزام به مناطق و مخصوصاً مرزها در این سال‌ها ندارد. از ۳۰ الی ۴۰ هزار قشونی که در سال‌های اول سلطنت و مخصوصاً در دوره امیرکبیر وجود داشته، در این سال‌ها به زحمت ۳ الی ۴ هزار قشون آماده اعزام می‌شده است. در توصیف نابسامانی و آشفتگی قشون تقریباً همه منابع این دوره هم‌نظر هستند. کرزن در سال ۱۳۰۸/۱۸۹۰ ه. اظهار می‌دارد که عدم پرداخت موجب و

فقدان تجهیزات مانع از آن است که ارتش ایران به نیروی مؤثری تبدیل شود (لمبتون بی تا: ۲۳). حاج سیاح با قلم انتقادی خود در این سال‌ها مسئله امنیت را به دقت مورد بررسی قرار داده از جمله به مشکلات و معضلات متعدد قشون و افواج می‌پردازد. این که قشون عمدتاً در دفتر دیوان است و در عمل نه قشونی هست و نه اسلحه و نه اردوگاهی. موجب قشون نصیب صاحب‌منصبان شده و خود سربازان به عملگی، دزدی و شرارت می‌پردازند (حاج سیاح ۲۵۳۶: ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۰۹). افواج و قشون در بدترین وضعیت مدیریتی و ساختاری بوده است و با وجود این که بیشترین بودجه کشور به نظام اختصاص می‌یافت^۲، اما نه موجب درستی به قشون می‌رسید و نه تجهیزات مناسبی در اختیار آنها بود (گوینو ۱۳۸۳: ۲۸۸). فساد صاحب‌منصبان امری بدیهی و آشکار بود. بسیاری از قبیل در اختیار گرفتن افواج، مداخل می‌کردند.^۳ آنها موجب را از دولت گرفته و سهم ناچیزی دست سرباز می‌داند. به هم‌ریختگی و آشفتگی در مناصب نظامی و سلسله‌مراتب، گواه آشکاری از آنومی است. بسیاری از اطفال^۴ و اطرافیان و درباریان با وساطت و یا با پرداخت مبالغی، منصب امیر تومانی (سرتیپ دومی) و امیر نویانی (سرتیپ تمامی) می‌گرفتند. حال این که بسیاری از این افراد سابقه نظامی نداشتند.^۵ ساختار نظامی آشفته و جایگاه سازمانی و مأموریتی افواج و قشون در ساختار کلی نامشخص و مبهم بود. علاوه بر دولت، بسیاری از حاکمان و اشراف، سربازان و افواج خاصه خود را داشتند. جایگاه قزاق و پلیس که بر اساس ساختارهای مدرن ایجاد شده بودند، در ابهام بود. بدین جهت تنش بین این افواج و نهادهای نظامی و انتظامی امری شایع بود و این امر خود بر ناامنی‌ها می‌افزود.

برخی از پژوهشگرانی که در مورد امنیت عصر ناصری و قاجار پژوهش کرده‌اند، بر معضلات ساختاری تأکید داشته‌اند و به نوعی تداخل و تراحم ساختارها را یادآور شده‌اند (ثواقب ۱۳۹۴: ۳۸؛ ثواقب و معظمی گودرزی ۱۳۹۴: ۱۳). احمدزاده با صراحت بیش‌تری می‌نویسد: در عصر ناصری شاهد تغییر نسبی در مفهوم و گستره کارکرد امنیت اجتماعی، علی‌رغم تداوم نگرش و ساختارهای بازتولید کننده گفتمان غالب پیشین به مسئله امنیت اجتماعی هستیم که نوعی زیست دوگانه و وضعیت بینابینی و ترکیبی را رقم زد. ایجاد نهاد پلیس که بر تحول در مفاهیم و انگاره امنیت اجتماعی مبتنی بود، به دلیل برآمدن در ساختار سنتی و قدرت مطلقه به جای تأمین امنیت اجتماعی، در راستای بازتولید تداوم قدرت مطلقه به کار گرفته شد (احمدزاده ۱۳۹۵: ۱ و ۱۴).

۲.۴

آشوب، شورش و اغتشاش از مهم‌ترین مسائل امنیتی-انتظامی این سال‌هاست. بنا به تحقیقی، ۱۶۹ مورد شورش، ناآرامی، تحریک و جنگ محلی در ۴۵ سال اول سلطنت ناصرالدین‌شاه روی داده است (فوران ۱۳۷۸: ۲۳۸). لمبتن با تأکید بر نبود امنیت در این دوره، از مظاهر ناامنی به طغیان مردم شهرها، اخاذی مأموران، قحطی، گرانی، ترس از هجوم و قتل و غارت و طاعون و وبا دانسته است (لمبتون بی تا: ۲۹ و ۳۵). در روزنامه خاطرات، این مورد دارای ۳۸ فراوانی و ۲۰/۸۷ درصد از کل را به خود اختصاص داده است. اغتشاش، شورش و درگیری بین مردم و به‌ویژه ایلات و عشایر با دولت از پدیده‌های عادی در این سال‌هاست. به‌طوری که می‌توان چنین نتیجه گرفت که اقتدار و مشروعیت دولت در سرایشی نزول قرار گرفته بوده است. برای نمونه حسین زرگر یکی از یاغیان با ۷۰-۸۰ سوار دهات اطراف تهران را غارت کرده و حتی می‌گوید می‌خواهد تهران را مسخر کند (اعتمادالسلطنه ۱۳۸۹: ۷۲۰). هر چه به سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه می‌رسیم فراوانی آن بالاتر است. به‌طوری که بالاترین فراوانی بعد از سال ۱۳۰۲ متعلق به سال ۱۳۱۳ق. است که سال کشته شدن شاه است. در چهار سال پایانی این بازه زمانی، دارای بیش‌ترین فراوانی است. به طوری که ۶۶ فراوانی و ۳۶/۲۴ درصد از کل را به خود اختصاص می‌دهد. مهم‌ترین شورش اجتماعی این سال‌ها، شورش بر امتیاز رژی بود که تبریز و تهران را در آشوب و شورش عمومی فروبرد و در تهران ۲۰ هزار نفر به ارگ سلطنتی هجوم بردند (اعتمادالسلطنه ۱۳۸۹: ۷۸۵ و ۷۸۶). به گفته امانت، این شورش پایه‌های سلطنت شاه را به لرزه درآورد (امانت ۱۳۸۳: ۵۳۲).

۳.۴

سرقت و دزدی هم در این سال‌ها بسیار زیاد و شایع بوده است. فراوانی آن ۱۳ و درصد آن ۷/۱۴ است. اعتمادالسلطنه بارها اذعان می‌کند که «در این روزها دزدی در شهر زیاد است» (اعتمادالسلطنه ۱۳۸۹: ۷۸۵ و ۷۸۶)؛ بنابراین چنین می‌نماید که آمار دزدی در کشور و تهران باید بسیار زیاد باشد. مشاهدات و شنیده‌های فوریه، پزشک ناصرالدین‌شاه، بسیاری از اقوال اعتمادالسلطنه را تأیید می‌کند. از جمله دزدی از خانه اعتمادالسلطنه و دزدی از جواهرات تحت طاووس (فوریه ۱۳۸۵: ۱۷۲ و ۲۲۳). بسیاری از مواردی که نویسنده به

آن‌ها اشاره کرده مربوط به دزدی‌های مهمی است که از خانه خود وی، اشراف و عمارت سلطنتی شده است و در بسیاری موارد دزدان، سربازان دولتی و نوکران اندرونی و بیرونی بوده‌اند و این در نوع خود بیانگر آنومی حاد جامعه است.

۴.۴

قتل و سوءقصد در این سال‌ها فراوانی بالایی دارد. با فراوانی ۱۱ و درصد ۶/۰۴ که نشان‌دهنده ناامنی واقعی در مملکت است و خود شاه هم در نهایت شکار یکی از این سوءقصدها شد.

۵.۴

هر چند امنیت مالکیت از معضلات تاریخی جامعه ایرانی بوده، در این سال‌ها مصادره اموال مردم، به خصوص متوفیان ثروتمند توسط دولت و شخص شاه به امری شایع تبدیل شده بود و نگرانی مردم را از این اقدام در پی داشته است. این مسئله با فراوانی ۷ و ۳/۸۴ درصد از این نظر اهمیت دارد که خود دولت به یکی از عوامل ناامنی تبدیل شده بود و وظیفه ذاتی دولت در حفظ اموال و حقوق مردم را نادیده می‌گرفت.

۶.۴

نفوذ و مداخلات خارجی با ۴ فراوانی و ۲/۱۹ درصد بر ناامنی‌ها می‌افزود. البته نفوذ فزاینده روس و انگلیس و وابستگی دولت به آنها دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی بود. به طوری که آنها کنترل سیاسی و استراتژیکی ایران را به دست گرفته بودند (فوران ۱۳۷۸: ۲۲۳). در این تحقیق فقط به دخالت‌های مستقیمی اشاره شده که منجر به مسئله امنیتی و انتظامی شده است. پژوهشگرانی که درباره امنیت اجتماعی عصر ناصری و قاجار پژوهش کرده‌اند، بر تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم مداخلات و نفوذ خارجی در گسترش ناامنی تأکید دارند (احمدزاده ۱۳۹۳: ۴۵؛ ثواب ۱۳۹۴: ۳۸).

۷.۴

اعتراض و شکایت از شخص شاه و درباریان و حاکمان ایالات با ۱۰ فراوانی و ۵/۴۹ درصد را تشکیل می‌دهد. بیشتر عارضین زنان بودند که شاه را به شدیدترین وجه مورد اعتراض و حتی توهین قرار می‌دادند. این حضور زنان در بلواها و اعتراضات تنها به این خاطر نبود که مصونیت خاص داشتند، بلکه به این سبب بود که آنها بار سنگین گرانی و کمبود نان و گوشت را احساس می‌کردند (امانت ۱۳۸۳: ۴۹۹). اعتراضات علما و منورالفکران از شاه بسیار شدید بود. انتقادات شدید سیدجمال‌الدین اسدآبادی، نمونه‌ای از نوشته‌های مخالفانی بود که علناً سقوط سلطنت شاه را می‌خواستند. وی شاه را به سبب سوء حکومت، استبداد رأی، ولخرجی، خوش‌گذرانی، فساد کارگزاران و هرزگی مأموران، زوال و ویرانی مملکت، بدبختی مردم و از همه مهم‌تر تسلیم به خواست‌های بیگانگان، فاقد صلاحیت پادشاهی می‌شمرد (امانت ۱۳۸۳: ۵۳۷). باید در نظر داشت که برخورد با معترضین و شاکیان به شاه و درباریان و حاکمان بسیار شدید و ظالمانه بوده است. چنانچه به دنبال اعتراض سیدجمال، او «را غلامان زده و اسبابش را اتباع عزیزالسلطان غارت کردند» (اعتمادالسلطنه ۱۳۸۹: ۷۳۰).

۸.۴

به خاطر معضلات امنیتی و نبود دادرسی عادلانه بست‌نشینی رایج بود (گویینو، ۱۳۸۳: ۳۰۲) مراقد و اماکن متبرکه، اصطبل سلطنتی، سفارتخانه‌های خارجی و حتی تلگراف‌خانه‌ها به صورت بست درآمدند (لمبتون بی تا: ۳۶). بسیاری از افراد به منظور فرار از مجازات به بست‌نشینی مبادرت می‌کردند (ثواقب و خدابخشی ۱۳۹۹: ۳۱). بست‌نشینی با ۱۱ فراوانی و ۶/۰۴ درصد را به خود اختصاص داده است.

۹.۴

زندانی شدن افراد با ۸ مورد و ۴/۳ درصد است. باید در نظر داشت که مجازات زندان در این دوره نادر بوده و محبس که عمدتاً به آن انبار می‌گفتند به‌عنوان نهادی برای نگه‌داشتن و یا مجازات مجرمین چندان معمول نبود و بیشتر زندانیان سیاسی در آن نگه داشته می‌شدند

(خزائی ۱۳۹۷: ۱۶). شگفت این که پلیس خود محبس‌هایی ایجاد کرده بود و بدون دادرسی محاکم، به حبس افراد اقدام می‌کرد. همین امر خود گواهی بر کژکاری نهادی و بی‌هنجاری ساختارهاست (اعتمادالسلطنه ۱۳۸۹: ۱۶۷).

۱۰.۴

وجود احساس ناامنی با فراوانی ۱۳ و درصد ۷/۱۴ شایان توجه است. صاحب‌نظران احساس ناامنی را از خود ناامنی جدا می‌دانند. احساس امنیت بیشتر امری روانی و درونی است و به احساس اعتماد، آرامش و رهایی از اضطراب و ترس در مورد موجودیت و رفع نیازها اشاره دارد (بیات ۱۳۸۸: ۱۵۴). این فراوانی احساس ناامنی بیشتر در رابطه با خود شاه و درباریان بوده و می‌توان حدس زد که در سطح جامعه به مراتب بیشتر شایع بوده است.

۱۱.۴

پناهندگی به کشورهای خارجی به‌ویژه روسیه، به‌صورت فردی و گروهی در دسته‌های چند صد و حتی چند هزار نفری با فراوانی ۷ و ۳/۸۴ درصد به چشم می‌خورد. این که اتباع کشور برای حفظ جان و مال و معیشت بهتر، حاضر به پناهندگی می‌شدند، در توصیف امنیت اجتماعی مملکت معنی‌دار است، آن هم عمدتاً به کشور روسیه که در خشونت نسبت به اتباع خود و نبود نهادهای مدنی مشهور بود. گوینو می‌نویسد «روستائیان به خود من اظهار داشتند که آرزو دارند سراسر شمال ایران تحت سلطه روس‌ها درآید» (گوینو ۱۳۸۳: ۲۱۴).

۱۲.۴

مسائل و درگیری‌های مرزی در این سال‌ها، فراوانی بسیار پایینی را به خود اختصاص داده است. با فراوانی ۳ و ۱/۶۴ درصد. این موضوع از این نظر قابل تأمل است که با توجه به کم‌بودن اختلافات و درگیری‌های مرزی باید در داخل کشور امنیت بیشتری موجود می‌بود که کاملاً عکس آن است. ضمن این که یکی از علل پایین بودن فراوانی این است که

به‌خاطر ضعف دولت و نداشتن قشون آماده، دولت امکان واکنشی در مقابل پیشروی روسیه، تجاوزات مرزی و شورش ایلات در مناطق مرزی را نداشت

۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش با بازخوانی نظریه آنومی و انطباق آن با جامعه ایران عصر ناصری، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا به دنبال پاسخ به این سؤال برآمد که مهم‌ترین مسائل و چالش‌های جامعه ایران در ۱۵ سال پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه بر اساس داده‌های کتاب «روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه» چه بود؟ بر اساس یافته‌های پژوهش، معضل ساختاری-مدیریتی بیش‌ترین فراوانی یعنی ۵۷ مورد و ۳۱/۳۱ درصد از کل را خود اختصاص داده است. باوجود نوسازی و اصلاحات نهادی و مدیریتی، به‌خاطر تداخل و تنش‌های ساختاری، به‌هم‌ریختگی جایگاه نهادها و حوزه‌های مأموریتی و غلبه‌گفتمان و ساخت قدرت مطلقه، فضایی برای تکوین نهادهای تحول‌خواه پدید نیامد و ناسازگاری نهادی منجر به آنومی بیشتر شد. آشوب، شورش و اغتشاش، دومین مسئله امنیتی-انتظامی با ۳۸ فراوانی و ۲۲/۸۷ درصد است. به‌خاطر فرسایش سرمایه اجتماعی و نزول اقتدار و مشروعیت دولت، آشوب و اغتشاش و شورش اجتماعی بسیار زیاد است. سرقت و دزدی هم در این سال‌ها بسیار زیاد و شایع بوده است. فراوانی آن ۱۳ و درصد آن ۷/۱۴ است که خود نشان‌دهنده وضعیت نامناسب اقتصادی و اجتماعی کشور است. چهارمین مسئله احساس ناامنی با فراوانی ۱۳ و درصد ۷/۱۴ نشان‌دهنده تشویش و نگرانی عمومی جامعه از وضعیت نظم و امنیت اجتماعی است. مسئله پنجم قتل و سوءقصد در این با فراوانی ۱۱ و درصد ۶/۴۰ که نشان‌دهنده تضاد اجتماعی بالاست. بست‌نشینی با ۱۱ فراوانی و ۶/۰۴ درصد، کژکارکردی نهادهای قضایی و ابهام در مؤلفه‌های حقوقی را نشان می‌دهد. شکایت و اعتراض مردم به دولت به‌عنوان مسئله هفتم با فراوانی ۱۰ و ۵/۴۹ درصد نشان‌دهنده پایین آمدن تاب‌آوری اجتماعی مردم و گروه‌های اجتماعی است. زندانی شدن افراد با ۸ مورد و ۴/۳ درصد مسئله هشتم است. مصادره اموال مردم بدون موازین حقوقی روشن با فراوانی ۷ و ۳/۸۴ نشانگر کژکارکردی دولت در وظایف امنیتی-انتظامی خویش است. پناهندگی با فراوانی ۷ و ۳/۸۴ درصد، مداخلات خارجی با ۴ فراوانی و ۲/۱۹ درصد و درگیری‌های مرزی در این سال‌ها، فراوانی بسیار پایینی را به خود اختصاص

داده است. با فراوانی ۳ و ۱/۶۴ درصد مسائل نهم تا یازدهم را تشکیل می‌دهند. با مراجعه به نتایج پژوهش‌های صورت گرفته توسط دیگر پژوهشگران، به نتایج و داده‌های به دست آمده این تحقیق، اعتباربخشی صورت گرفته است. به طور کلی نتایج نشان می‌دهد به خاطر وضعیت وابستگی ایران به نیروهای خارجی روس و انگلیس و مداخلات آنها و نیز روابط دیپلماتیکی موجود میان فرهنگ، سیاست، اقتصاد و نیز ساختارهای بیرونی و واکنش‌های درونی، بحران و آنومی گسترده و همه‌جانبه بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. علوم اجتماعی مبتنی بر نظریات جهانشمول و پوزیتیویستی به منزله دستگامی متشکل از مفاهیم و قواعد عام و جهانشمول، موضوعی چون ایران را تنها به مورد مطالعاتی فرو می‌کاهد. در حالی که هدف مکتب جامعه‌شناسی تاریخی، فهم و تبیین فرد تاریخی و نه کشف قواعد فرازمانی و فرامکانی دانسته شده است. از این چشم‌انداز جامعه‌شناسی نمی‌تواند چیزی جز جامعه‌شناسی تاریخی باشد. جامعه‌شناسی تاریخی، نه به منزله حوزه‌ای در جامعه‌شناسی، بلکه رویکرد یا پارادایمی است که بررسی امر اجتماعی را صرفاً از طریق فهم تاریخت آن ممکن می‌داند (توفیق ۱۴۰۰: ۸۳ و ۸۷).
۲. فوران می‌نویسد: نهاد فاسد و پوسیده نظامی ۴۱ درصد بودجه را می‌بلعید. در دهه ۱۸۹۰ فساد در تمام شئون دولتی رخنه کرده و ارتش هم از آن بی‌نصیب نبود (فوران ۱۳۷۸: ۲۱۶). در مورد انحطاط نظامی بر آن است: اصلاحات و نوسازی نظامی، دیوانی و اقتصادی در ایران هر بار ناتمام و بی‌نتیجه ماند. در دوره عباس میرزا و وزیرش قائم‌مقام به خاطر مرگ زودرس شاهزاده، در عصر ناصری با برکناری و قتل امیر و اصلاحات سپهسالار به خاطر مخالفت با امتیاز رویتر (فوران ۱۳۷۸: ۲۴۸). باوجود نوسازی نصفه و نیمه در ارتش قاجار، دولت نتوانست از آن به عنوان ابزار سودمندی در عرصه سیاست خارجی بهره‌برد. باوجود کارایی نسبی در رفع شورش‌های داخلی، بعد از برکناری امیرکبیر، ارتش راه انحطاط پیمود (فوران ۱۳۷۸: ۲۱۹).
۳. خود ناصرالدین شاه هم به نارضایتی و اعتراض قشون به خاطر عدم پرداخت مواجب اشاره دارد (ناصرالدین شاه ۱۳۸۹: ۵۱). فوریه می‌نویسد: چون شاه از عملکرد پلیس در شورش تنباکو راضی نبود، رئیس پلیس (کنت) را برکنار کرد و رئیس پلیس تازه (سید عبدالله) این مقام را از نایب السلطنه به ماهی هزار تومان اجاره کرد (فوریه ۱۳۸۵: ۲۴۰).

مسائل و چالش‌های نظم و امنیت اجتماعی جامعه ایران ... (رضا بیگدلو) ۲۵

۴. در اعتراض به دادن مناصب اداری و نظامی به اطفال اعتمادالسلطنه می‌نویسد «دولت ما جوان نشده بلکه طفل و بچه شده» (اعتمادالسلطنه ۱۳۸۹: ۲۲۳).

۵. از همه شگفت‌تر این که خواجه‌سرایان هم دارای مناصب و درجات نظامی بودند. اعتمادالحرم حاجی آغا سرورخان سرتیپ اول و آغا بهرام خانم هم سرتیپ اول بوده‌اند (اعتمادالسلطنه ۱۳۵۵: ۳۹۱/۱).

۶. بین مشروعیت و سرمایه اجتماعی دولت و نظم و امنیت اجتماعی رابطه مستقیمی برقرار است. سرمایه اجتماعی، واقعیتی اجتماعی-فرهنگی است که ریشه در زمینه‌ها و تجارب اجتماعی-تاریخی یک جامعه دارد و در نظام هنجاری جامعه ریشه دارد. سرمایه اجتماعی سازوکار انسجام‌بخشی را در روابط و نظام‌های اجتماعی ایجاد، تقویت و حفظ می‌کند و موجب گرمی حیات اجتماعی و حفظ هویت ملی شده و میزان جرائم و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی را کاهش می‌دهد. هردو سازه امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی مقوی مشروعیت اجتماعی و سیاسی و نیز تسهیل‌کننده نظم اجتماعی پویا و توسعه پایدار هستند (غفاری ۱۳۹۰: ۱۴۸). در این سال‌ها وجود بحران‌های مالی، استقراض خارجی، واگذاری امتیازات به بیگانگان، کاهش ارزش پول ملی، سوءاستفاده و فساد ناشی از فروش و حراج مناصب دولتی بر نارضایتی افزود و مشروعیت دولت قاجار را با بحران روبرو ساخت (فوران ۱۳۷۸: ۲۱۹). برای نمونه اعتمادالسلطنه می‌نویسد: بندگان همایون به مسجد سپهسالار تشریف آورده و بیش از سه‌چهار دقیقه نمانده و با کمال تغییر تشریف برده بودند. علت این بوده دم در مسجد زیاده‌تر از سی‌هزار زن و مرد بودند ولی در خود مسجد که میرزا ابوالفضل نماز می‌خواند زیاده از سی نفر نبودند. مردم می‌گفتند زمین این مسجد غصبی است و میرزا ابوالفضل پیش‌نماز دولتی است (اعتمادالسلطنه ۱۳۸۹: ۱۰۵۹).

کتاب‌نامه

- احمدزاده، محمدامیر (۱۳۹۳)، بسترهای تحدید و توسعه امنیت اجتماعی در ایران عصر قاجاریه، مطالعات تاریخ انتظامی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۵-۷۴.
- احمدزاده، محمدامیر (۱۳۹۵) تداوم و تغییر در مؤلفه‌های امنیت اجتماعی در ایران دوره ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق.)، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۶، شماره ۲، صص ۱-۲۶.
- استونز، راب (۱۳۷۹)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۵)، المآثر والآثار؛ چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه، به کوشش ایرج افشار، بی‌جا: بی‌تا.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۹)، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، ساخت اجتماعی امنیت، دانش انتظامی، شماره ۱۱، صص ۲۲-۵۳.
افشار، ایرج (۱۳۸۹)، مقدمه روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
امانت، عباس (۱۳۸۳)، قبله عالم؛ ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نشر کارنامه-مهرگان.

بوزان، بری (۱۳۸۸)، مردم، دولت‌ها، هراس؛ مشکل امنیت ملی در کشورهای جهان سوم، در: امنیت ملی در جهان سوم، آزر، ادوارد ای. و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
بیات، بهرام (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی احساس امنیت، تهران: امیرکبیر.

بیاتلو، حسین و رحمانیان، داریوش (۱۳۹۸)، نوکران شهری و پدیده سرقت در دوره ناصری، تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۹، شماره ۱، صص ۱-۲۳.
توفیق، ابراهیم (۱۴۰۰)، بازآرایی امپراتوری؛ چشم‌اندازی به اقتصاد سیاسی دولت مدرن در ایران، تهران: گام نو.

ثواب، جهانبخش و خدابخش، آزیتا (۱۳۹۹)، کارکرد امنیتی بناهای مذهبی مبتنی بر سنت بست در دوره قاجاریه، مطالعات تاریخ انتظامی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۳۱-۷۲.
ثواب، جهانبخش و معظمی گودرزی، سودابه (۱۳۹۴) اقدامات قاجارها در برقراری امنیت اجتماعی شهرها، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی، سال ۴، شماره ۲، صص ۱۱-۳۷.
حاج سیاح، محمدعلی محلاتی (۲۵۳۶)، خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح، تهران: امیرکبیر.

حسینی نثار، مجید و فیوضات، ابراهیم (۱۳۹۰)، نظریه انحرافات اجتماعی، تهران: نشر پژوهاک.
خزائی، یعقوب (۱۳۹۷)، تحلیلی بر ساختار زندان پیشامدرن و مدرن، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال ۲، شماره ۵۴، صص ۱۳-۳۰.

دورکیم، امیل (۱۳۸۱)، درباره کار و تقسیم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
دورکیم، امیل (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی و فلسفه، ترجمه فریدون سرمد، تهران: نشر کندوکاو.
دورکیم، امیل (۲۵۳۵)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.
رجب‌زاده، احمد و کوثری، مسعود (۱۳۸۲)، آنومی سیاسی در ایران با تکیه بر نظر شهروندان تهرانی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، مهرماه ۱۳۸۲، صص ۳۲۱-۳۴۷.

روشه، گی (۱۳۸۵)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.

مسائل و چالش‌های نظم و امنیت اجتماعی جامعه ایران ... (رضا بیگدلو) ۲۷

ریتزر، جورج و گودمن، داگلاس جی. (۱۳۹۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: جامعه‌شناسان.

سیدمن، استیون (۱۳۸۶)، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
شلاپتوخ، ولادیمیر (۱۳۹۵)، نظم اجتماعی در جامعه معاصر، ترجمه اصغر صارمی شهاب، تهران: جامعه‌شناسان و مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور.

غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: جامعه‌شناسان-سازمان تحقیقات ناجا.

غفاری، غلامرضا (۱۳۹۲)، نظم و امنیت اجتماعی در آرا و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.

فوران، جان (۱۳۷۸)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
فوریه، ژان باتیست (۱۳۸۵)، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: نشر علم.

کیویستو، پیتر (۱۳۷۸)، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
گرامشی، آنتونیو (۱۳۷۷)، دولت و جامعه مدنی، ترجمه عباس میلانی، تهران: اختران.

گلوور، دیوید و استرابریج، شیلاف (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی معرفت و علم، تهران: سمت.
گوینو، کنت دو (۱۳۸۳)، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، تهران: نی.
گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.

لمبتون، آن کاترین (بی‌تا)، اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، ترجمه منیر برزین، مشهد: چاپخانه خراسان.

محبوبی منش، حسین (۱۳۸۱)، امنیت و انحرافات اجتماعی، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۸، صص ۱۳۳-۱۵۹.

مسنر، استیون اف. و روزنفلد، ریچارد (۱۳۹۲)، نظریه انومی نهادی؛ تبیین جامعه‌شناختی کلان جرم، ترجمه علی موسی‌نژاد، فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال ۲، شماره ۳، صص ۱۶۷-۱۸۷.

ناصرالدین شاه (۱۳۸۹)، روزنامه خاطرات، به تصحیح عبدالحسین نوایی و الهام ملک‌زاده، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

نایبی، هوشنگ و معیدفر، سعید و سراج زاده، سیدحسین و فیضی، ایرج (۱۳۹۶)، تئوری انومی دورکیم و مرتن؛ تفاوت‌ها، شباهت‌ها و شیوه‌های اندازه‌گیری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۷، شماره ۲۲، صص ۹-۵۱.

۲۸ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

نصری، قدیر (۱۳۹۰)، درآمدی بر امنیت جامعه‌ای، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ویلیامز، پل دی. (۱۳۹۲)، درآمدی بر بررسی‌های امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: امیرکبیر.
هانتینگتون، سموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم.